

می توان سال های
نخست پس از
پیروزی انقلاب،
در فاصله
بهمن ۱۳۵۷ تا
خرداد ۱۳۶۲ را
در حکم لحظه
سازنده ای در نظر
گرفت که طی آن
نخبگان انقلابی
تصمیم هایی
اتخاذ می کنند
که به شکلی
فزاینده «سرشتی
نهادین» پیدا
می کنند و عناصر
مختلف دولت
پس از انقلاب را
می سازند.

معترضان به رژیم پهلوی ایفا کرد و در این میان تشکیلات منظم و مدرن سیاسی و حزبی نقش چندانی نداشتند؛ چرا که فاصله میان آزاد شدن عمده رهبران اپوزیسیون رژیم شاه از زندان تا پیروزی انقلاب، آن اندازه کوتاه بود که مجال چندانی برای بازسازی یک شبکه سازمانی مؤثر در هدایت جنبش انقلابی باقی نگذاشت. گویا این که از پیش، هسته اصلی جنبش اعتراضی گرداگرد رهبری امام شکل گرفته و این هسته، عمده نیروهای اجتماعی را به خود جذب کرده بود.

با وجود توان بسیار زیاد رهبر کبیر انقلاب در بسیج مردم و حضور پر شمار نیروهای انقلاب در روند سرنگونی رژیم پهلوی، خلأ تشکیلات، به صورت رسمی و نهادی، برقراری پیوند میان فروپاشی رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت برآمده از انقلاب را با موانعی جدی روبه رو ساخت. واقعیتی که صاحب نظران بر آن اذعان دارند این است که در پیروزی انقلاب یک حزب سیاسی صاحب تشکیلات و دارای برنامه به همراه نخبگان آماده برای در دست گرفتن قدرت و اداره امور نقشی ایفا نکرده است.

در این حال، شبکه اجتماعی که حول رهبری انقلاب گرد آمده و نیروی عظیمی را ایجاد کرده بود، به طور عمده بر پیوندهای غیر رسمی، غیر سازمانی و تشکیلاتی خود جوش برآمده از نهادهای سنتی جامعه استوار بود. این «شبکه اجتماعی انقلابی شده»، سرشتی سیال و به نسبت بی نظم داشت که حول یک نقطه کانونی، یعنی رهبری انقلاب، متمرکز می شد و به اجماع می رسید. اما با وجود سرشت سیال شبکه اجتماعی مورد نظر، روند ساخت دولت جدید در دوره پس از انقلاب به شکلی پرشتاب پیش رفت، نهادهای قانونی دولت جدید با سرعت مناسبی مستقر شد، ناآرامی هادر نقاط مختلف پایان گرفت، نظم مرکزی مستقر شد و دستگاه بوروکراتیک دولت وظایف خود را از سر گرفت و مهم تر از همه، این که دولت انقلابی جدید، موفق شد بحران هایی جدی همچون تجاوز نظامی عراق به کشور را به شکل مؤثر مدیریت کند.

اما با وجود فروپاشی تمام عیار ساختارهای قدرت و رژیم پهلوی در جریان انقلاب اسلامی و با عنایت به نبود یک سازمان حزبی فراگیر و کارآمد، دولت نوپیدا انقلابی در ایران چگونه موفق شد پایه های نظم سیاسی جدید را به سرعت مستقر سازد؟ پاسخ نگارنده این است که «جنبش انقلابی مردم ایران در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب، توانایی بالایی در زمینه «نهادسازی از پایین» از خود نشان داد که به واسطه آن خلاء ناشی از فروپاشی ساختارهای قبلی قدرت و نبود سازمان حزبی مؤثر در جریان انقلاب پر شد و در نتیجه روند ساخت دولت جدید و مدیریت بحران های پیش رو به شدت از این شیوه نهادسازی متأثر گردید.»

نهادگرایی تاریخی

مناسب است برای تشریح ابعاد مختلف دولت سازی در ایران از رویکرد «نهادگرایی تاریخی» بهره گرفته شود.

این رویکرد بر پایه دو مفهوم اساسی شکل گرفته است:

۱. نخستین آن، مفهوم «اهمیت خط سیر» است. به گفته اسکاج پل، زمانی که بازیگران سیاسی با پذیرش مخاطرات مربوط در مسیری مشخص حرکت می کنند در خواهند یافت که پاپس گذاشتن از خط سیر برگزیده شده بسیار دشوار خواهد شد. در این حال مسیرهای